



بررسی نقش هنر آموزی بر یادگیری دانش آموزان

معصومه شکوهی

کارشناسی آموزش ابتدایی، آموزگار، دانشگاه آزاد اسلامی.

mshokohi1976@gmail.com

مصطفی صفدری دوغائی

کارشناسی آموزش ریاضی، دانشگاه فرهنگیان شهید بهشتی مشهد .

mostafasafdari1999@gmail.com

چکیده

آموزش هنر یکی از پایه های اساسی آموزش و پرورش است که تأثیر مستقیم آن در توسعه فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و افزایش سرمایه های مادی و معنوی یک جامعه به خوبی مشخص شده است. یکی از مشکلات مهم و اساسی در نظام آموزش و پرورش خصوصاً در کشور ما، به کار نگرفتن روش های تدریس نوین در آموزش است به همین سبب کیفیت آموزشی از سطح مطلوب برخوردار نیست و دانش آموزان علاقه زیادی به تحصیل نشان نمی دهند. یکی از دلایل آن عدم آشنایی معلمان با روش های نوین تدریس است. پیشرفت روز افزون هنر و تحقیقات گوناگون در حیطه های مختلف حاکی از آن است که اطلاعات بشر روز به روز افزایش می یابد و مطالب جدیدی به دست می آید. امروزه هر فردی ناچار به استفاده یافته های جدید است روش تدریس فعال و نوین که در آن مشارکت دانش آموز و معلم را می طلبد و به جای انتقال مطالب به دانش آموز، به افزایش توانایی یادگیرنده در فرایند یادگیری عنایت دارد. به دلایل متعدد از جمله تاکید بر اصولی از کلیات نظام آموزش و پرورش کشور و اهداف دوره های تحصیلی، نگرش های جهانی، رشد روز افزون تحقیقات، سرعت فن آوری و تکنولوژی، ضرورت کار بست تدریس فعال را می طلبد .

واژگان کلیدی: هنر ، معلم ، کلاس ، یادگیری ، دانش آموزان .



هشتمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران

محل برگزاری: تهران

۲۵ تیر ۱۴۰۰

مقدمه

مهم ترین دستاوردهای آموزش هنر در مدارس، تربیت افرادی است که دارای آگاهی های لازم هستند تا بتوانند منطقی فکر کرده و آگاهانه تصمیم بگیرند (پرویزیان، ۱۳۸۴). در چند دهه اخیر، نگرش جهانیان در مورد فرایندهای یاددهی-یادگیری به طور کامل تغییر کرده است. در سالهای نه چندان دور، بسیاری اعتقاد داشتند که ذهن دانش آموزان همانند ظرف های خالی است که در انتظار پر شدن با دانش و مهارت است در دنیای کنونی پیشرفت و توسعه هر جامعه را بیش از هر چیز درگرو تربیت نیروهای انسانی کارآمدی می دانند که بتوانند با اندیشه پویا و خلاق خود امکانات بالقوه موجود در آن جامعه را به امکانات بالفعل قابل استفاده تبدیل نمایند (میرشمشیری، ۱۳۹۰). در پژوهش های متعددی نشان داده شده است که آموزش درس هنر، درسی عملی و آزمایشگاهی است اما در ایران بیشتر از روش های سنتی استفاده می شود و رویکرد معلم محوری خاصی بر آن حاکم است. فعالیت های در آموزش این درس در نظام آموزشی کشور جز در موارد اندک، در بیشتر موارد به شیوه سنتی است؛ لذا دانش آموزان ممکن است به هدف های مورد نظر این درس نائل نشوند. در چنین وضعیتی آموزش درس هنر به شیوه سنتی و حافظه مدار و سخنرانی هرگز دانش آموزان را برای مواجهه با مسایل در هم تنیده دنیای امروز و فردا آماده نخواهد کرد. (یوسفی، قاسمی، ۱۳۸۸).

2

بیان مسئله

دانش آموزان برخی چیزها را در مورد توضیحات متوجه نمی شوند با این که بعضی از اطلاعات در توضیحات آن ها و بعضی وجود ندارد و همچنین در مواردی که مفهوم خارج از تجربه دانش آموزان باشد راه مناسب استفاده از یک قیاس با مدل است (شریفی، داوری، ۱۳۸۷). تأثیر الگوی هنر را بر پیشرفت تحصیلی در درس انشا و هنر مورد تأیید قرار داده اند. روش هنر در پژوهش نوبی (۲۰۰۹). افزایش خلاقیت و حل مشکلات را به دنبال می آورد.

با توجه به اهمیت مسئله یکی از تکالیف اساسی ما آن است که بر کیفیت و ثمربخشی عمومی که دوره پیش دبستانی و دبستانی مهم ترین بخش آن است تأکید می کنیم. برنامه ریزی علمی با توجه به اینکه هنوز کودکان در کستانها جای واقعی خود را در جامعه نیافته اند و دولت نیز قصد دارد که دوره آمادگی را اجباری کند و یقیناً این تصمیم باعث بالا رفتن هزینه ها خواهد شد و کودکان که از سن شش سالگی واجب التعلیم می شوند و بایستی وارد کلاس اول دبستان شوند از سن پنج سالگی بطور اجباری وارد کودکانستان ها می شوند و از سن پنج سالگی تحت تعلیم و تربیت قرار گیرند.

با ورود به هزاره سوم میلادی، دانش نو و پیشرفتهای فن آوری این امکان را فراهم ساخته است که بازنمایی ذهنی انسان از کره زمین به «دهکده جهانی» و بزرگراه های اطلاعاتی بهبود یافته و ضرورت چاره جویی در مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و در مجموع بهره مندی از کیفیت بهزیستی و باهم زیستی بیش از پیش احساس می گردد (احقر، ۱۳۸۳). از آنجایی که آموزش و پرورش در شکل دهی سرمایه انسانی و اجتماعی نقش تعیین کننده ای داشته است بنابراین؛ انتظار می رود نسل امروز را برای زندگی در جامعه فردا آماده سازد و با توجه به اهمیت هنر، آگاه بودن از وضعیت و ماهیت دانش علمی، چگونگی خلق آن و وابستگی به آن، نه تنها برای دانشمندان بلکه برای همه ما بخش عمده ای از آموزش را تشکیل می دهد (به نقل از بی. آر. هرگنهام، ۲۰۰۱ ترجمه سیف، علی اکبر).

یادگیری مفاهیم، در شرایطی رخ می دهد که دانش آموزان انگیزه پیدا کرده و به طرف مطلب جدید جذب شوند. شیوه های نوین تدریس در آموزش و پرورش کمک می کند که دانش آموزان به کارهای نو دست بزنند و باهر موضوعی خلاقانه برخورد کنند. در نظام های آموزشی نیز تأکید عمده بر پرورش خلاقیت دانش آموزان است. خلاقیت برای بقای هر جامعه ای لازم است و برای ایجاد و تداوم آن در افراد، بایستی عادت به تفکر را در آن ها ایجاد کرد چرا که خلاقیت با تفکر به وجود می آید. یکی از هدف های مهم



هشتمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران

محل برگزاری: تهران

۲۵ تیر ۱۴۰۰

در محیط پرتلاطم و متغیر کنونی، آموختن شیوه های خلاقیت و نوآوری است و یکی از الگوهای تدریس که باعث پرورش ظرفیت مشکل گشایی دانش آموزان و هدایت آن ها به بیان خلاق می شود الگوی هنر است. روش تدریس هنر از جمله روش های پرورش خلاقیت محسوب می شود که به وسیله ویلیام جی. جی. گوردون و همکارانش (2016). ابداع گردید. گوردون مطالعه موردی بر روی افرادی را آغاز کرد که به طور همزمان در پروژه مربوط به خلاقیت و روانکاوی درگیر بودند. نتایج مصاحبه ها، گویای علاقه فزاینده به تشابهات خلاق در هنر بود و این تشابهات رویکرد خلاقیت را برای هر دوی دانشمندان و هنر مندان آسان می کرد. پرداختن به فعالیت های استعاری در روش هنر ساختی را به وجود می آورد تا اشخاص به وسیله آن بتوانند خود را برای تخیل و ایجاد بصیرت در فعالیت های روزانه رها سازند. گوردون به این شیوه «آشنایی سازی» می گوید، یعنی فرد تلاش می کند تا با دیدی تازه به چیزهای آشنا بنگرد. اساس تفکر هنر فعالیت استعاری و تمثیلی است که براساس شباهت امور و مقایسه آن با یک چیز یا یک فکر به جای یک چیز یا فکر دیگر ساخته می شود (حسینی و همکاران، 1391).

در کلاس علاوه بر مباحث درسی باید بر روی رفتارهای دانشجویان نیز توجه کنیم. به این دلیل که آموزش و تربیت دو بال هستند و هیچ گاه با یک بال نمی توان پرواز کرد. علم و اخلاق نمی تواند هیچ گاه از هم جدا باشد. برای پیشرفت دانشجویان علم و اخلاق همیشه باید همراه هم باشند. اگر صرف حضور فیزیکی و به موقع در آموزشگاه و کلاس صرفا برای مدیران مهم باشد و بهترین دبیر آن دبیری باشد که فقط بتواند به موقع در کلاس درس حاضر باشد و به خیر و شر کسی کار نداشته، نظم و مقررات آموزشگاه را رعایت کند. اعتراض و انتقاد حتی پیشنهادی به آموزشگاه ارائه نکند؛ بلکه برعکس، بهترین ارزشیابی هم از آن کسی باشد که بیشترین اعتراض را به همه داشته باشد و با سخن سرایی ارزش و اعتبار خود را برای همه و مدیریت آموزشگاه جا بی اندازد و کیفیت کار معلم و رفع مشکلات او اهمیت نداشته باشد و توجه نشود و بهترین مدرسه هم آن مدرسهای باشد که همه دانشجویان و معلمان و کادر آن به موقع و با نظم و انضباط خاصی در مدرسه حاضر باشند و با صدای زنگ از کلاس خارج شوند؛ علیرغم حضور به موقع در کلاس، تا پایان درس و کلاس علیرغم حفظ حرمت کلاس و اجرای نظم و رعایت مقررات معلم را که مملو از فشارهای روحی است و از تبعیضات موجود رنج می برد. مجبور به مطالعه اجباری و رفع تکلیف کرده و با اتلاف وقت خود و دانشجو در انتظار رهایی از زندان کلاس می ماند. همانطور که یک برخورد نابجای معلم هم نسبت به دانشجو می تواند او را از درس و کلاس بیزار کند و یا به ترک تحصیل او منجر شود؛ حال آنکه با سعه صدر و صبر و حوصله، از هر گونه برخورد عجولانه که از احساس مسئولیت مدیر و معلم برخاسته و می تواند شرایط کاری و آموزشی را برای هر دو سخت تر و غیر قابل تحمل جلوه دهد، خودداری نمود (عابدی، احمد، 1389). نحوه درک فرد از دلایل موفقیت و شکست هایش منبع اصلی انگیزش و نشاط است. با توجه به اینکه موفقیت هر مدرس به میزان انگیزش و نشاط یادگیری فراگیران بستگی دارد پس در برنامه ریزی نوین آموزشی باید سعی مدرسین بر این باشد که از روشهای موثر برانگیختن دانشجویان برای یادگیری مطلع بوده و آنها را بکار گیرند. یکی از وظایف اصلی مدرسان ایجاد انگیزه و علاقه و نشاط لازم برای یادگیری در دانشجویان به منظور افزایش میزان آگاهی، دانش و مهارت های تکنیکی و همچنین آشنا ساختن آنها با علوم پیشرفته و روشهای نوین مراقبتی است. لذا با شناخت هر چه بیشتر عوامل موثر در انگیزش و نشاط دانشجویان میتوان مشارکت فعالانه آنها را در یادگیری افزایش داد. هر یک از رویکردهای روانشناسی، دیدگاه ها و نقطه نظرهای خاصی در مورد انگیزه و علاقه و نشاط و عوامل مؤثر بر آن دارند. لذا با شناخت هر چه بیشتر عوامل موثر در علاقه و انگیزش دانشجویان میتوان مشارکت فعالانه آنها را در یادگیری افزایش داد. مهمترین مؤلفه موثر در نظام آموزش، فرآیند یاددهی- یادگیری است. فرآیند یاددهی- یادگیری، الگوی مواجهه استاد و دانشجو در یک فضای آموزشی به منظور تحقق هدفهای معین است. اساتید در این فرآیند با متغیرهای گوناگونی سروکار دارند و برای مطالعه اثربخش و ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار دانشجویان نیازمند اطلاعات بیشتر در خصوص چگونگی یاددهی- یادگیری هستند. افراد دارای علاقه و انگیزش پیشرفت سطح بالا برای حل مشکلات و رسیدن به موفقیت بسیار کوشا هستند. حتی پس از آنکه در انجام کاری شکست خوردند، دست نمی کشند و تا رسیدن به موفقیت به کوشش ادامه می دهند. دانشجویان دارای



هشتمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران

محل برگزاری: تهران

۲۵ تیر ۱۴۰۰

علاقه و انگیزش پیشرفت بالا همواره می خواهند موفق شوند و آن را انتظار می کشند و وقتی شکست می خورند کوششهای خود را دو برابر می کنند و به فعالیت ادامه می دهند تا موفق بشوند. اوضاع اصلی علاقه و انگیزش پیشرفت هستند. آنها در کتاب معروف خود با عنوان انگیزه پیشرفت نوشتند بعضی افراد بلند پروازانه تر از دیگرانند و برای کسب موفقیت در زندگی می کوشند. پژوهشهای انجام شده نشان داده اند که افراد دارای علاقه و انگیزش پیشرفت زیاد در انجام کارها، از جمله یادگیری بر افرادی که از این انگیزه بی بهره اند پیشی می گیرند. در رابطه با اینکه علاقه و انگیزش پیشرفت بالا به موفقیت می انجامد یا اینکه موفقیت موجب بالا رفتن سطح علاقه و انگیزش می شود پژوهشها نتایج مشخصی به دست نداده اند. آنچه معلوم شده این است که علاقه و انگیزش پیشرفت در ابتدا تحت تاثیر تجارب فرد در خانواده است، اما پس از اینکه دانشجویان چند سالی را در مدرسه کسب تجربه می کنند موفقیت و علاقه و انگیزش بر یکدیگر تاثیر می گذارند. موفقیت اشتیاق برای موفقیت بیشتر را سبب می شود که این به نوبه ی خود موفقیت را به دنبال می آورد. در مقابل دانشجویانی که در نتیجه زحمات خود کسب موفقیت نمی کنند، علاقه و انگیزش برای موفقیت در آینده را از دست می دهند. نکته ای که در اینجا باید به آن اشاره کنیم این است کسب موفقیت در تکالیف آسان برای افراد دارای علاقه و انگیزش پیشرفت لذت بخش نیست، بلکه کسب توفیق در تکالیف چالش بر انگیز برای این افراد مهم و افتخار آمیز است. همچنین انجام تکالیف بسیار دشوار نیز مورد علاقه ی افراد دارای انگیزه پیشرفت قرار نمی گیرد. علت آن است که انجام تکالیف خیلی ساده افتخاری نصیب فرد نمی کند و تکالیف بسیار دشوار معمولا به شکست منجر می شوند، و این نیز افتخاری نصیب فرد نمی سازد. افرادی که دارای علاقه و انگیزش پیشرفت قوی هستند در تکالیفی که دارای درجه دشواری متوسطی هستند توفیق زیادی به دست می آورند. یعنی تکالیفی که این افراد در آن حد اکثر جدیت را نشان دهند، تکالیفی هستند که انجام آنها مستلزم قدری خطر کردن است، اینها همان تکالیف چالش بر انگیز هستند. برای یک فرد دارای علاقه و انگیزش پیشرفت قوی، مقدار لذتی که هنگام موفقیت کسب می کند به سطح تصویری چالش وابسته است. با افزایش سطح چالش، لذت همراه با موفقیت نیز افزایش می یابد (اسلاوین، 2006).

4

پیشینه تحقیق

روش تدریس مبتنی بر هنر آموزی بر مؤلفه های خلاقیت تأثیر دارد و همچنین آیا این روش را میتوان در درس هنر تجربی به کار برد. نتایج حاصل از این تحقیق میتواند به معلمان کمک نماید تا خلاقیت دانشآموزان را اعتلا بخشد. امروزه بسیاری از مردم بر این باورند که فرزندان نشان باید در مدارس مهارتهای خواندن، نوشتن و حساب کردن را بیاموزند اما متخصصان تعلیم و تربیت مانند برونر این دیدگاه عامه را به طور جدی رد میکند. بسیاری از آنان معتقدند ما باید به دانش آموزان چگونگی یادگیری و ارزشیابی را بیاموزیم. به اعتقاد آیزنر تنها هدف تعلیم و تربیت باید تقویت مباحثه و مناظره در کلاس درس باشد. معلمان باید به دانش آموزان بیاموزند که چگونه فکر کنند و چگونه یاد بگیرند. (آیزنر، نقل از شعبانی، 1386)

استفاده از روش های تدریس فعال میتواند گام مؤثری را در بهبود کیفیت آموزش درس هنر و پیشرفت آن داشته باشد. پیش از این معلم نحوه تدریس را مشخص میکرد ولی امروزه نظر بر این است که روش تدریس باید با یادگیری فرد آموزنده مطابقت داشته باشد. (آقازاده، 1386) به کارگیری روش های فعال تدریس باعث میشود تا یادگیری عمیقتر شود و به صورت کاربردی مورد استفاده قرار گیرد. (بازرگان، 1380)

دانش بشری ناشی از ساخت اجتماع است، سیستم اجتماعی تغییر می کند و همزمان کهنه می شود. برای حل مسایل نو که ممکن است هر لحظه در زندگی با آن برخورد کنیم، افرادی توانا لازم است، افرادی که از اندیشه های آزاد و خلاق و مهارت حل مسئله برخوردار باشند. با در نظر گرفتن این شرایط هدف نظام آموزشی باید تربیت کردن دانش آموزانی توانمند، شهروندانی مفید برای جامعه در حال تغییر باشد. افزون بر این برنامه های مدارس باید بر روش هایی متمرکز گردند که دانش آموزان به جای آموختن و به

خاطر سپردن قابلیت های چگونه آموختن را از طریق تفکر و برخورد منظم با مسایل ومشکلات یاد بگیرند، زیرا در چنین حالتی است که دانش رشد می کند و یادگیرنده احساس مفید بودن می کند (اکبرزاده، 1383).

به نظر می رسد در نظام برنامه ریزی درسی ایران سازوکارهای لحاظ شده برای اشاعه تفکر خلاق، به دلیل عدم آشنایی با الگویی برای افزایش خلاقیت و به کارگیری الگوهای منفعل سنتی برای تدریس، کافی نباشد. با این توصیف، پرداختن به دغدغه هایی (از قبیل تا چه اندازه کاربرد الگوی آموزشی تدریس هنر برای پرورش خلاقیت مناسب است؟) ومعلمان باچه راهکارهایی می توانند شرایط را برای بروزخلاقیت محیا (نمایند؟) اجتناب ناپذیر است. از طرف دیگر اهداف آموزش وپرورش رسیدن یادگیرنده به یادگیری است. به رغم اهمیت حیاتی یادگیری در آموزش وپرورش، مسئله تبیین نحوه وقوع یادگیری و یادداری و تحلیل عوامل تأثیرگذار بر آن حوزه ای است که کم وبیش آشفته باقی مانده است یادگیری فعالیتی بی نهایت پیچیده است هر یک از ما جریان پیوسته و متنوعی از تجربه را در سراسر لحظه های بیداری خود دریافت می کند که هر کدام از آن ها بالقوه می توانند به یادگیری منجر شوند، اما بخش اعظم آن ها بدون آنکه ردی باقی بگذارند از حیات هشیار ما خارج می شوند. چه چیز برخی از آن ها را به یاد سپردنی می کند و برخی را نه؟ بررسی جنبه های عملی فرایند یادگیری ما را به مسئله روش ها و فنون آموزش می کشاند. به همین دلیل امروزه شیوه های یادگیری با تفکر و خلاق مورد توجه بسیار قرار گرفته است، تاکید این شیوه ها به جای ذخیره سازی انبوهی از مطالب غیر مرتبط در ذهن دانش آموز بر درگیر کردن دانش آموزان با مسایلی است که بازندگی واقعی آنان مرتبط است به کارگیری این شیوه های تدریس هنر سبب می شود دانش آموزان به تفکر عمیق بپردازند، چگونه فکر کردن، چگونه خلق کردن، چگونه یادگرفتن را بیاموزند و به یادگیرندگانی مادام العمر تبدیل شوند(فونتانو، 1995، ترجمه فروغان، 1389).

5

برای سمت و سو دادن مدارس به سوی بهره گیری از الگوهای جدید، باید استفاده از آن الگوها در فضای مدارس حاکم شود و تفکر و بازسازی و تجربه آموزی جانشین شیوه های سنتی گردد. البته این امر نیازمند انجام دادن تحقیقات و مطالعات متعدد و بررسی همه جانبه مزایا و محدودیت های الگوهای سنتی و مقایسه آن با روش های تدریس هنر است تا معلمان با آسودگی خاطر به گزینش و اجرای الگوی مناسب اهداف و درس مورد نظر اقدام کنند (عارف نیا، 1385).

در توضیح روش های تدریس سنتی باید بیان کرد که منظور از تدریس سنتی، کلیه فعالیت های آموزشی است که در کلاس انجام می شود و معمولاً معلم محور است و اگر قرار باشد آزمایشی اجرا شود این معلم است که درگیر آزمایش می شود و دانش آموزان فقط مشاهده گر هستند یا معلم درسی را توضیح می دهد و دانش آموزان شنونده هستند و به بیان دیگر یادگیرندگان در فرایند آموزش و تدریس نقشی منفعل دارند. در حالی که الگوی تدریس هنر بدان منظور طراحی شده است که هم خلاقیت فرد وهم خلاقیت گروه را ارتقاء بخشد. مشارکت در تجربه تدریس هنر می تواند موجب پیدایش نوعی حس جمعی در بین شاگردان گردد. شاگردان به هنگام ملاحظه نحوه واکنش همکلاسان خود به یک مطلب یا مسئله، مطالبی را درباره آنان یاد می گیرند. روش های تدریس هنر به خلق جامعه ای از افراد برابر که در آن صرف داشتن یک اندیشه، تنها پایه ی منزلت اجتماعی است، کمک می کند و اندیشه ها به خاطر سهم بالقوه ای که در فرایندهای گروهی ایفا می کنند، ارزشمند تلقی می شوند این هنجار ونیز حالت بازی گونه آن شرایط لازم مشارکت گروهی را حتی برای خجول ترین شرکت کنندگان فراهم می کند (میرشمشیری، 1390).

تدریس، تنها فعالیت معلم در کلاس درس نیست بلکه فعالیتی دو جانبه از طرف معلم و دانش آموزان می باشد که در جریان آن، بین دانش آموزان با یکدیگر و معلم تعامل وجود دارد. (اکبرزاده، 1383).

روش تدریس را می توان به دو گروه عمده تقسیم کرد: روش های تدریس فعال و روش های تدریس غیرفعال در روش تدریس غیرفعال، فقط معلم نقش فعالی را در جریان تدریس به عهده دارد و مطالبی را که از قبل تعیین شده است به طور شفاهی در کلاس بیان می کند و دانش آموزان در این میان واکنش چندانی از خود نشان نمی دهند. بنابراین خلاقیت فقط جای اندکی در آموزش سنتی دارد، زیرا در آموزش سنتی کسب مهارت خواندن و نوشتن مهم است و ارائه مفاهیم به صورت شفاهی از طرف معلم و تکرار و حفظ کردن و پس دادن مطالب توسط شاگردان انجام می شود. بدین ترتیب ذهن شاگردان با جزئیات شتاب زده



هشتمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران

محل برگزاری: تهران

۲۵ تیر ۱۴۰۰

و نامربوط انباشته می شود و آن ها از یادگیری مطالب مهم درسی و قابل فهم محروم می گردند و تلاشی برای پاسخ های چالش انگیز وجود ندارد. شیوه های آموزش سنتی دانش آموزان را با روش های شناختی که مرتبط با دنیای فردا است همراه نمی کند و چنین تدریس نامناسبی همراه با عدم طرح موضوعات بحث برانگیز، محیط آموزشی ملالت آوری را ایجاد می کند. در نتیجه باعث عدم کنجکاوی و سؤال و مشارکت از جانب کودک می شود (بنی عقیل، 1387).

بحث و نتیجه گیری

اهمیت ثمربخشی روش های تدریس و یادگیری بهتر همواره مورد نظر دانشمندان و محققین هنر تربیتی بوده است. تاریخچه مطالعات نشان می دهد روش های تدریس چه در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و چه در ایجاد انگیزه و رضایت خاطر، پرورش شخصیت و رشد خلاقیت آنان و موثر است. روش های تدریس به منزله روشنایی های متفاوتی هستند که هر کدام بردشان تا شعاع خاص را دربرمی گیرند. البته باید اذعان نمود که هر یک از روش ها در ارتباط با موقعیت های مختلف از کار آیی ویژه ای برخوردار هستند، به عبارت دیگر هر یک در جای خویش مثمر ثمر هستند. (قورچیان، 1377). امروزه شیوه های نوین و فعال تدریس توجه مسئولان و دبیران را به خود جلب کرده است. در این شیوه ها فراگیر و علایق و توانمندی های او در مرکز توجه قرار دارد و معلم تلاش می کند تا توانایی های فراگیران را در مهارت های گوش دادن گفتن، خواندن، نوشتن، استدلال، مقایسه، تطبیق، تجزیه و تحلیل، سازندگی و خلاقیت تقویت کند و با توجه به این موضوع محتوای درسی را در کلاس های درسی ارائه می دهد (شریفی و همکاران، 1387).

6

در بسیاری مواقع شاید این دور از واقعیت نباشد که نه معلم می داند محتوایی را چرا باید درس بدهد و نه دانش آموز چرایی را انتخاب محتوا را می داند نه معلم می داند محتوا را به چه روش صحیح و سودمندی تدریس نماید و نه دانش آموز چگونه یاد گرفتن را می داند، معلم صرفاً درس می دهد و فراگیران نیز به طور موقتی حفظ می کنند، ما فقط یاد گرفته ایم درس بدهیم و دانش آموزان نیز آموخته اند که تنها حفظ نمایند و چون و چرا مطالب را از ما بپذیرند (سبحانی نژاد و همکاران، 1385). آیا معلم به طور معمول، پیش از تدریس ارزیابی می کند که هدف از تدریس این مطالب چیست؟ و آیا از خود می پرسد این محتوا چگونه باید تدریس شود؟ یا فقط به طور یکنواخت به روش حفظی به یادگیری طوطی وار می پردازد. متن آموزشی که در اختیار همه قرار دارد، اما چگونگی تدریس مهم است. موفقیت معلم در استفاده از شیوه های فعال تدریس است. به اعتقاد محقق، شیوه فرایند یاددهی - یادگیری از خود موضوع درسی مهم تر است. کارائی روش هایی نظیر سخنرانی، انتقال اطلاعات از معلم به دانش آموز و به یادسپاری و تأکید بر محفوظات که شالوده روش های سنتی تدریس است مدت ها است مورد ایراد و پرسش قرار گرفته است (حیدری و همکاران، 1388).

تاکنون متخصصان روش های مختلفی را برای پرورش تفکر خلاق پیشنهاد کرده اند که روش آموزش تدریس هنر یکی از آن هاست و هدف اصلی ما در این تحقیق قرار گرفته است. تدریس هنر یکی از روش های فعال یادگیری است که خلاقیت دانش آموزان را افزایش می دهد. درس هنر با تمرکز بر پرورش و توسعه مهارت های یادگیری مادام العمر بر آن است تا شاگردان خلاق تری تحویل جامعه دهد و آنان را برای جهان همواره در حال تغییر آماده کند و با مهیا شدن زمینه های بروز ایده های نو و بدیع، توانایی خلاقیت و آفرینندگی را در خویش بارور کنند؛ و در دوران تحصیل و زندگی به کارگیرند (احقر، 1383). با توجه به روند کنونی آموزش و پرورش که با بهره گیری از روش تعلیم و تربیت سنتی تأکید فراوان بر فراگیرندگان مطالب درسی، کسب نمرات عالی بدون هر گونه دخل و تصرف و عدل از مواد و محدوده تعیین شده دارد به همین دلیل پژوهشگران سعی می نمایند با



هشتمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران

محل برگزاری: تهران

۲۵ تیر ۱۴۰۰

انجام تحقیقات به بررسی تأثیر به کارگیری الگوی تدریس هنر به عنوان یکی از روش های فعال تدریس بر پرورش خلاقیت دانش آموزان پردازند. (سلسبیلی، ۱۳۸۶).

طبق اظهارات دبیر مربوطه گروه آزمایش و نتایج به دست آمده دانش آموزان بعد از اجرای روش تدریس هنر آموزی سعی می کردند تا در برابر سؤال های غیرمعمولی پاسخ های متعدد بدهند، بنابراین میتوان اظهار داشت که تدریس طبق الگوی هنر آموزی باعث افزایش قابلیت روانی یا سیالی پاسخهای دانش آموزان می شود. بهره گیری از این شیوه آموزشی به دانش آموزان این امکان را می دهد تا پاسخ و ایده های فراوانی در ارتباط با موضوع جدید که احیاناً ممکن است با آن برخورد نداشته اند از خود بروز دهند.

هدف از تدریس با الگوی تدریس هنر ، شکستن دیوار قواعد مرسوم و ایجاد راهکارهای جدید برای حل مسائل در ذهن دانش آموز است تا به یادگیری پایدار و عمیق برسد. معلم، در این شیوه پنج مرحله ای تلاش می کند تا فراگیران با تفکر بیشتر درباره موضوع درس، به شیوه ای نوین با مفهوم درس درگیر شده و از دریچه های گوناگون به آن فکر کنند. الگوی تدریس هنر یک نوع اطلاعات پردازی است که قوه خلاقیت دانش آموزان را افزایش می دهد چراکه راهبردهای آن، ذهن آنان را به تفکر در زمینه ابعاد گوناگون موضوع ترغیب می کند و برای هر موقعیت به تولید ایده های جدید و درک شیوه ارتباط بین مفاهیم می پردازند.

در این الگو، برای دریافت مفاهیم جدید و کاربردهای آن، مشابه سازی شده و فعالیت ها از راه قیاس دنبال می شود. معلم، تلاش می کند مفهوم درس را پس از آشنایی اولیه با قیاس مستقیم، قیاس شخصی و تعارض فشرده، برای دانش آموزان تفهیم کند که چون این روش تدریس مبتنی بر خلاقیت است، یاد گیرنده را به شناخت بیشتر مفهوم جدید می رساند. تلاش فراگیر در این الگو، ماندگاری بیشتری در ذهن ایجاد می کند. نقش معلم در جریان اجرای این شیوه تدریس، هدایت گری دانش آموزان برای انجام دادن قیاس های مستقیم و شخصی است که امکان کشف و جست و جوی بیشتری برای او فراهم می کند. افزایش ظرفیت ذهنی دانش آموزان، از اهداف ذاتی این روش است. به این ترتیب، در شکستن زمینه های ذهنی قبلی و پیدا کردن راه مناسب جدید و اندیشیدن به طرز جدید به افراد کمک می کند تا به یک نظام فکری منسجم و ادراکی برسند.

نوآوری، توانایی تغییر در هیجان های معمول و ایجاد هیجانی جدید برخلاف هنجارها و استانداردها و یا ترکیبی جدید از هیجان های متداول فرد است. اثر بخشی نیز، هماهنگی پاسخ خلاق با زمینه های فرهنگی و اجتماعی است که برقراری روابط اجتماعی مطلوب را ممکن می سازد و اصالت یعنی هیجان ها باید برخاسته از باورها و اعتقادهای فرد باشد. روش تدریس هنر یک الگوی پردازش اطلاعات است که به تدریس تفکر استعاره ای مبادرت کرده و شاگردان را بر ابداع مطالب جدید و خلاقیت ترغیب و تشویق می کند. در این الگو بعد عاطفی و بعد نامعقول از ابعاد عقلی و معقول مهم تر است و هدف اساسی این الگو خلق باورها، افکار، اشیا و فنون و شکستن سد قواعد مرسوم است.

این روش چون با امور نامعقول سر و کار دارد باعث تجلی برانگیختگی های درونی افراد می شود. فراگیران بین خود و مفهوم انتخاب شده، همسویی و همدلی ایجاد می کنند. خود را از درون قیاس و آن را در قالب خود شرح داده و احساسات، تمایلات و انگیزه های خود را بیان می کنند. در شیوه تدریس هنر ، نوآوری فرد رشد پیدا می کند. با تأکید بر برقراری روابط مطلوب و دوستانه، موجب بهبودی شیوه تفکر فرد را فراهم می آورد و باعث رشد اثربخشی افراد می شود. الگوی تدریس هنر ، سرسختی روانشناختی را می تواند افزایش دهد و با نتایج مطالعات تأثیر الگوهای آموزش حل مسئله همسو است. سرسختی روانشناختی یک ویژگی شناختی شخصیتی است که در مواجهه با حوادث فشار آور زندگی به عنوان یک منبع مقاومت و سپر محافظ عمل می کند. سرسختی روانشناختی، ترکیبی از باورها درباره خود و جهان است که از سه مؤلفه تعهد، کنترل و مبارزه جویی تشکیل شده است و در عین حال یک ساختار واحد است. در این الگوی تدریس، فراگیر در تکلیف خود احساس درآمیختگی می کند و باعث تعهد در او شده و باعث افزایش کنترل او بر محیط می شود. بنا به یافته های فرضیه سوم این پژوهش، تدریس هنر



هشتمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران

محل برگزاری: تهران

۲۵ تیر ۱۴۰۰

باعث پرورش تفکر انتقادی می شود و معلمان باید توجه داشتند که برای پرورش دانش آموزان با ذهن فلسفی باید آموزش آنها بر اساس روش های قصه گویی و تدریس هنر باشد.

نتایج نشان داد که بهره گیری از الگوی هنر محور میتواند این را در دانش آموزان رشد دهد که در برخورد با مسایل و مشکلات هنگامی که تغییر شکل داده و یا از بعد دیگری مطرح میگردند، جهت فکر خود را تغییر داده و با مسأله همسو شوند. این موضوع بر خلاف نظر و عمل تعداد زیادی از مربیان است چرا که بسیاری از معلمان همواره شاگردان را تشویق میکنند تا سؤال ها را عیناً همانند متن کتاب پاسخ داده و بنویسند و به همان الگوهای پیشبینی شده توجه نمایند. نتیجه این روش رشد دانش آموزان قالبی و غیرقابل انعطاف است که به این مهم بایستی با توجیهاات لازم و آموزشهای مناسب مربیان، معلمان و دستااندرکاران تعلیم و تربیت توجه خاص مبذول شود.

جوامع بشری با سرعتی شگفت انگیز در جنبه های مختلف زندگی درحال توسعه ، تغییر و تحول ند. پیشرفت علوم و فنون به همراه خود نیازهای جدیدی هم ایجاد می کند. بنابراین آموزش هم باید با سرعت و کیفیت بیشتر انجام شود. امروزه بیش از هر زمان دیگری تکنولوژی آموزشی درآموزش و پیوند دادن دانشجویان به فرصتهای جدید یادگیری نقش ایفا میکند. انباشت اطلاعات و در دسترس بودن آنها در فضای اینترنت و همچنین قابل حمل بودن لب تاب ها ، فرصتی است برای مدارس تا از طریق تکنولوژی یادگیری در کلاس درس را ارتقا بخشند و مکملی برای آن به وجود آورند. استفاده از تکنولوژی هایی مانند مجازی به دانشجویان امکان میدهد که در کلاس هایی فراتر از دیوارهای کلاشان شرکت کنند.

8

استفاده از برنامه های (طرح های) درسی آنلاین، کانال رسانه های اجتماعی، آکادمی های یادگیری مجازی و ابزار تکنولوژی مکمل، دسترسی تمام دانشجویان به آموزش پیشرفته را فراهم آورده است.

جوامع بشری با سرعتی شگفت انگیز در جنبه های مختلف زندگی درحال توسعه ، تغییر و تحولند. پیشرفت علوم و فنون به همراه خود نیازهای جدیدی هم ایجاد می کند. بنابراین آموزش هم باید با سرعت و کیفیت بیشتر انجام شود. امروزه بیش از هر زمان دیگری تکنولوژی آموزشی درآموزش و پیوند دادن دانشجویان و دانشجویان به فرصتهای جدید پیشرفت نقش ایفا میکند. انباشت اطلاعات و در دسترس بودن آنها در فضای اینترنت و همچنین قابل حمل بودن لب تاب ها ، فرصتی است برای مدارس تا از طریق تکنولوژی پیشرفت در کلاس درس را ارتقا بخشند و مکملی برای آن به وجود آورند. استفاده از تکنولوژی هایی مانند محیط های پیشرفت مجازی به دانشجویان و دانشجویان امکان میدهد که در کلاسهایی فراتر از دیوارهای کلاشان شرکت کنند. استفاده از برنامه های (طرح های) درسی آنلاین، کانال رسانه های اجتماعی، آکادمیهای پیشرفت مجازی و ابزار تکنولوژی مکمل، دسترسی تمام دانشجویان و دانشجویان به آموزش پیشرفته را فراهم آورده است.

تکنولوژی آموزشی به معنای اعم چیز تازه های نیست و قدمت آن را میتوان همزمان با قدمت تعلیم و تربیت دانست. اما تکنولوژی آموزشی به معنای خاص آن شاید کمتر از یک قرن است که مورد توجه متخصصان تعلیم و تربیت غربی قرار گرفته است. متخصصان تعلیم و تربیت معتقدند که توسعه داخلی تکنولوژی آموزشی ابزارهای آموزشی بعداز سال های 2019 میلادی شروع شد و از این تاریخ بود که مواد و وسایل آموزشی یکی پس از دیگری ابداع شدند ودر امر آموزش مورد استفاده قرار گرفتند. در سال 2017 در آمریکا اصطلاحاتی از قبیل وسایل دیداری ، شنیداری و وسایل کمک آموزشی وارد جریان آموزش و پرورش شد. و تقریباً در حدود سال 2018 به بعد روانشناسان استفاده از روش های مختلف ارائه دانش یعنی استفاده از تکنولوژی آموزشی را به عنوان یک تکنیک یا روش در امر آموزش فراگیران مطرح کردند اما همچنان استفاده از ابزارهای آموزشی شدیداً مورد توجه قرار داشت. امروزه هر وقت در مسائل تعلیم و تربیت بخشی از تکنولوژی آموزشی به میان می آید منظور روش طراحی، اجرا و ارزشیابی کل فرایند تدریس و یادگیری است نه به کارگیری وسایل و ابزارهای دیداری - شنیداری در امر آموزش همچنین یافته های متعدد، اثرات مثبت توان بالقوه تکنولوژی آموزشی بر بهبود نگرش دانشجویان نسبت به خود حمایت میکند. مثلاً استفاده از کامپیوتر میتواند ، با ایجاد محیط شبه شخصی، باعث افزایش عزت نفس، کنترل فعال بر محیط شود و انگیزه پیشرفت در

دانشجویان و دانشجویان را افزایش دهد. طرح ها و تمرین های درسی که با تکنولوژی آموزشی پیشرفته به ویژه با کامپیوتر ادغام شده باشند، میتوانند فهم مفاهیم و اصول چالش انگیز را آسانتر سازند. برای نمونه، دانشجویان ی که فراگیرندگان دیداری هستند، میتوانند از تصاویر متحرک و ثابت و نیز نمایشهای ویدئویی که در نرم افزارهای آموزشی قرار دارد بسیار سود ببرند. نرم افزارهای ابزاری میتوانند خلاقیت و کنجکاوی را پرورش داده و انجام تکالیف را آسان تر سازند.

فهرست منابع :

- ابوذری، روح... (1386). بررسی تأثیر روش تفکر استقرایی بر پیشرفت تحصیلی درس هنر دانش آموزان کلاس اول ابتدایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- اوجی نژاد، احمدرضا (1389). تأثیر بکارگیری الگوی تدریس تدریس هنر بر پرورش خلاقیت دانش آموزان در درس انشاء، فصلنامه روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، سال اول، شماره 2، 28-31.
- بهرنگی، محمدرضا (1383). تحول ناشی از تدریس مشارکتی از نوع جیگ ساوزد وضعیت سنتی تدریس. تهران: انتشارات کمال تربیت.
- پیرخانفی، علیرضا (1388). رابطه هوش و خلاقیت در بین دانش آموزان پسر مقطع دوم دبیرستان های تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه عالمه طباطبایی.
- تجاری، طیبه (1390). مقایسه اثربخشی روش تدریس هنر با سخنرانی در مورد پیشرفت تحصیلی و خلاقیت در مطالعات اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- جویس، بوریس، ویل، مارشا، کلاهون، امیلی. (2004). الگوهای تدریس، ترجمه محمدرضا بهرنگی (1384)، تهران: انتشارات کمال تربیت.
- حسینی، افضل السادات، (1387). الگوی رشد خلاقیت و کارایی آن در ایجاد مهارت تدریس خلاق در معلمان ابتدایی، فصلنامه نوآوری های آموزشی، سال پنجم، 87-98.
- خسروی، علی اکبر، نیکان، محمود (1393)، مقایسه تأثیر دو روش تدریس هنر و سخنرانی در پرورش خلاقیت دانش آموزان ابتدایی در درس هنر. مجله علمی پژوهشی «پژوهش های برنامه ی درسی» انجمن مطالعات برنامه ی درسی ایران. دوره ی چهارم، شماره اول، 85-101.
- خورشیدی، عباس (1381). راهبردهای یاددهی - یادگیری با عنایت به نگرش فراشناختی، تهران: نشر دانش.
- سرمد، زهره، بازرگان، عباس، حجازی، اله (1385). روش های تحقیق در هنر رفتاری. تهران: انتشارات آگاه.
- سلحشوری، احمد (1380). بررسی تأثیر روش تدریس هنر بر پرورش خلاقیت دانش آموزان در درس هنر پایه ی چهارم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه عالمه طباطبایی.
- شکرکن، حسین (1381). بررسی روابط ساده و چندگانه عدالت سازمانی .
- شمس، محمدشهاب (1384) فناوری اطلاعات و ارتباطات در عرصه آموزش معلمان، انتشارات کمیسیون .
- گال و بورگ. (۱۳۸۲). روش های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی، ترجمه احمدرضا نصرافهانی و همکاران، تهران: انتشارات سمت و دانشگاه شهید بهشتی.
- ذوفن، شهناز و لطفی پور، خسرو. (۱۳۷۷). تولید و کاربرد مواد آموزشی (رسانه های آموزشی برای معلم). تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.